

اقطاع

و

حقوق تقسیم اراضی دولتی

تقسیم اراضی دولتی در حقوق و اقتصاد اسلامی

سید محمد خامنه‌ای

خامنه‌ای، محمد، ۱۳۱۴ -

اقطاع و حقوق تقسیم اراضی دولتی: تقسیم اراضی دولتی در حقوق و اقتصاد اسلامی / نوشته محمد خامنه‌ای. - تهران: تولید کتاب [تک]، ۱۳۸۲، هشت، ۱۰۱ ص.

ISBN 964 - 93945 - 3- 2

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه به صورت زیر نویس.

۱. اقطاع - قوانین و مقررات - ایران. ۲. اراضی ملی - قوانین و مقررات - ایران.

الف. عنوان. ب. عنوان: تقسیم اراضی دولتی در حقوق و اقتصاد اسلامی.

۳۴۳/۵۵۰۲۵

الف ۲/۵۶/ KHMT۳۰

۱۳۸۲

م ۸۲-۲۷۸۵۴

کتابخانه ملی ایران



## اقطاع و حقوق تقسیم اراضی دولتی

نوشته

سید محمد خامنه‌ای

چاپ اول: پاییز ۱۳۸۳؛ ۲۰۰۰ نسخه

نشانی: تهران، بزرگراه رسالت، روبروی ضلع شمالی مصلای بزرگ تهران،

مجمع امام خمینی (ره)، ساختمان ۱۲، انتشارات تولید کتاب (تک)

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۶۹۱۹، تلفن: ۸۱۵۳۵۹۴ و ۸۱۵۳۲۱۰، دورنگار: ۸۸۳۱۸۱۷

کلیه حقوق، متعلق به انتشارات تولید کتاب (تک) می‌باشد.

ISBN: 964-93945-3-2

شابک: ۹۶۴-۹۳۹۴۵-۳-۲

## فهرست مطالب

|       |                                                  |
|-------|--------------------------------------------------|
| دو    | دیباچه                                           |
| سه    | پیشگفتار                                         |
| شش    | مقدمه                                            |
| ۱-۱۰۰ | اقطاع                                            |
| ۲     | تاریخچه                                          |
| ۱۰    | اقطاع النبی                                      |
| ۱۳    | اقطاع از نظر فقه                                 |
| ۲۱    | تقبیل یا قبالة                                   |
| ۴۷    | مسائل دیگری از اقطاع                             |
| ۸۱    | حدود واگذاری اراضی و سرمایه‌های ملی به بخش خصوصی |
| ۸۳    | مفهوم و تعریف اقتصادی اقطاع                      |

## دیباچه



مالک حقیقی و اصلی همه چیز، خداوند - تعالی و تقدس - است زیرا که او حقیقت وجود است و وجود از آن اوست و «مالکیت» نیز خود، یکی از شئون «وجود» می‌باشد.

مالکیت عمومی (یا مالکیت امت و جامعه) جلوه‌ای از آن مالکیت الهی است و رابطی میان حق و خلق، و همچنانکه برای اصل وجود، مدارج و تنزلاتی هست، مالکیت تکوینی الهی نیز، برای انتقال به مالکیت افراد، باید مرحله‌ای میانی را بگذراند و مدارج و مراتبی دارد.

مالکیت عمومی برزخی است میان مالکیت والای آن خداوند مهیمن و منان و مالکیت آحاد مردم (مالکیت خصوصی)، که ضعیفترین انواع مالکیت در سلسله ولایت و مالکیت است.

مالکیت عمومی امت را در زنجیره رحمت و نعمت الهی، می‌توان به حلقه ربط یا «وجود رابط» تشبیه کرد و یا فرعی از فروع «ربط قدیم به حادث» دانست.



## پیشگفتار

موضوع اراضی دولتی یا اراضی ملی و متعلق به عموم جامعه، یکی از مسائل حساس و مهمی است که کمتر توجه کافی به آن شده است؛ زیرا اهمیت آن در مالیت و ثروت در اختیار دولت نیست، بلکه اهمیت آن در نقش آن در اجرا و اعمال سیاستهای اقتصادی کلان دولت میباشد. زیرا زمین یکی از اهرمهای مهم اقتصادی بهبود وضع اقتصاد ملی و جلوگیری از مشکلات اقتصادی منتهی به فقر عمومی، کسری تراز پرداختها در معاملات بین‌المللی، سقوط ارزش پول ملی، بیکاری و در نتیجه وابستگی به بیگانگان و از دست دادن استقلال کشور و ملت است.

اراضی ملی کشاورزی یکی از ابزارهای هدایت اقتصاد خرد و کلان کشور نیز میباشد و می‌تواند مانع گرانی، کمبود، یا مشکلات دیگر تولیدات کشاورزی شود. اراضی ملی شهری نیز می‌تواند یکی از ابزارهای سیاست مسکن و اجرای سیاستهای جامعه‌شناختی و زیرساختی مربوط به مسکن و بهبود رفت‌وآمد شهری و بهسازی محیط زیست گردد.

متأسفانه پیش از انقلاب اسلامی به اهمیت و نقش اراضی عمومی، دانسته، توجه نمی‌شد و پس از انقلاب اسلامی ملت ایران نیز علی‌رغم دولتها و دولتمردان رنگارنگی که بر روی کار آمدند و وعده‌ها و شعارهایی

چهار ..... اقطاع

که دادند، از این موهبت الهی - آنچنان که باید - بهره‌ای گرفته نشد، نه اشتغال از آن زائیده شد، نه خودکفائی تولیدات کشاورزی بدست آمد، و نه مسائل اجتماعی و حقوقی مسکن حل گردید و نه اقتصاد کلان و درآمد ملی و مشکل تورم بهبود یافت.

شاید یکی از نقصهای کار در بُعد حقوقی و علمی قضیه بود، اما باید انصاف داد که در زمینه علمی، حوزه‌ها و فقها - بطور نسبی - بیش از همه در روشنگری ابعاد حقوقی مسئله زمین و اراضی دولتی و عمومی تلاش و کوشش از خود نشان دادند. کتابها در اینباره با تحقیقاتی نسبتاً جدید نوشته شد و مسائل حل‌ناشده‌ای حل گردید؛ گرچه در بُعد دانشگاهی، با وجود تألیف و ترجمه کتب اقتصادی، توجهی خاص به کارائی اجتماعی و سیاسی اراضی ملی انجام نشد، و شاید یکی از دلایل آن بیتوجهی و بی‌علاقگی برخی از دولتها به کارهای اساسی و زیربنائی، بدور از تبلیغات خودنمائیها بود.

نگارنده این کتاب، بهیچوجه مدعی نیست که کاری بسزا در اینباره انجام داده، که حتی از کمبودها و ضعفهای آن بخوبی آگاه و منفعل است؛ اما بهرحال، کاری است که ناشی از احساس وظیفه و مسئولیت و محض تذکار و تعریف معروف بوده و امیدوار است که روزی پژواک این آوای بی‌مستمع به گوش هوشمندی برسد و دستی از آستین همت بدر آید و گرهی از گرههای این ملت رنج کشیده طول تاریخ، بگشاید و نسیم آرامبخش رفاه و آسودگی مادی و روحی بر این سرزمین و مردم آن بوزد.

شرح کاربرد سیاستهای اقتصادی در سایه این حقایق حقوقی (فقه اسلامی) بسیار گسترده‌تر از این نوشته و شامل عناصر مهم فنی و علمی

پیشگفتار..... پنج

است، اما بعنوان فهرست - همچون گنگان خوابدیده - چند صفحه‌ای در  
اواخر کتاب به کاربرد اقتصادی و اجتماعی اراضی ملی پرداخته‌ام. امید که  
پژوهشگران و دلسوزان جامعه از اندک ما بسیارها بدست آورند و اهریمن  
فقر و نابسامانی اقتصادی را از این دیار بیرون کنند.

بعونه إن شاء الله. إنه خیر معین

\* \* \*

## مقدمه

اصطلاح «مالکیت عمومی» بمعنای مالکیت دولتی و متعلق به جامعه، در مقابل «مالکیت خصوصی» - یعنی همان مالکیت اشخاص حقیقی و حقوقی غیر وابسته به دولت - اصطلاحی جدید است که با رواج علم حقوق و ترجمه کتب حقوقی غربی بفارسی، به این مرز و بوم گام نهاده است. اما اصل دوگانگی در شکل مالکیت - تا آنجا که ما به آن رسیده ایم - یکی از تأسیسهای حقوقی اسلام است که ریشه در اندیشه و عرفان اسلامی دارد. این تأسیس حقوقی در غزوه بدر با آیه انفال یا بعرضه علم حقوق گذاشت و بعدها با انتقال مفاهیم حقوقی و فلسفی و اجتماعی اسلام به غرب، بخصوص پس از رنسانس و انقلاب فرانسه، در آنجا صورت مدون و واضحی بخود گرفت.

در فقه و در حقوق اسلام مفاهیم و تعبیراتی همچون انفال، فیه، مفتوح عنوه، وقف و امثال اینها همه جلوه‌ها و شکلهای گوناگون مالکیت عمومی است و این نهاد حقوقی، احکام و مسائل زیادی را در فقه بخود اختصاص داده است.

با جدا شدن دو بخش عمومی و خصوصی در اموال و ثروتها، مسئله



رابطه متقابل آندو پیش می‌آید و در این رابطه «که لازمه فرض دو نوع مالکیت، وجود نوعی رابطه فیمابین است» فرقی نمی‌کند که نظامی براساس مالکیت خصوصی و آزادیهای فردی (و باصطلاح اقتصاد آزاد) باشد - همچنانکه لیبرالیسم غربی اقتضا می‌کند - یا نظامی بر پایه مالکیت دولتی و یک بُعدی، که سهمی اندک هم به مالکیت باصطلاح شخصی می‌دهد. چه در هر دو نظام، هر دو بخش عمومی و خصوصی وجود و حضور دارند و طبعاً میان آندو باید روابطی فرض و تصویر گردد.

در اسلام که با وجود اصالت مالکیت عمومی،<sup>۱</sup> عملاً دامنه مالکیت خصوصی بسیار گسترده است - بطوریکه نوعاً از آن به نظام مزدوج تعبیر می‌شود - (یعنی با قدری تسامح برای هر دو بخش مالکیت در اسلام می‌توان اصالت قائل شد) بطریق اولی روابط متقابل میان آندو باید واضحتر و صریحتر باشد.

مرز میان دو مالکیت عمومی و خصوصی مرزی سیال و شناور است و هر یک از آندو با شرایطی، قابل تبدیل بدیگری می‌باشد. در نظام سرمایه‌داری آزاد، ضوابطی برای انتقال از مالکیت فردی به مالکیت عمومی و دولتی وجود دارد و در نظام اشتراکی و دولتی نیز، ملاک‌هایی برای انتقال از بخش عمومی به اشخاص هست.

در اسلام نیز بصورت گسترده‌تر و روشنتر و کاملتر، این رابطه متقابل وجود دارد. صورتهای عمده انتقال مال از بخش خصوصی به بخش دولتی (یا عمومی) در اسلام عبارتست از: مالیاتها، مصادره‌ها، وقف، امور بریه و صدقات، جرایم مالی و امثال اینها.

۱. نگاه کنید به مقاله «مالکیت عمومی» از این نگارنده.

هشت..... اقطاع

برای عکس آن - یعنی انتقال از بخش عمومی به خصوصی - نیز راه و روشهایی هست و «اقطاع» یکی از آنهاست که این مقاله عهده‌دار بحث و بررسی در اطراف آن می‌باشد. در ضمن، مروری به برخی روشهای دیگر آن مانند: احیاء موات و قبالة نیز خواهیم داشت.<sup>۱</sup>

\*\*\*

---

۱. لازم بذکر است که چون مقصود از انتقال از بخش عمومی به بخش خصوصی، انتقال منافع و انتفاعات ثروتهای ملی می‌باشد طرق دیگری مانند مزارعه، مساقات، اجاره و امثال آنها نیز، که بشرط تملیک عین نباشد و عین در مالکیت عمومی باقی بماند، از همین مقوله‌اند ولی بسبب وضوح و شهرت آن در فقه، از ورود در آن خودداری می‌کنیم.